

## اجتهاد تفسیری



نشست «بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر» به میزبانی (ایکنا) و همکاری مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر، شنبه 29 آبان در محل این خبرگزاری برگزار شد.

نشست #171 بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر» به میزبانی (ایکنا) و همکاری مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر، شنبه 29 آبان در محل این خبرگزاری برگزار شد.

این هم‌اندیشی نخستین نشست از سلسله نشست‌های بررسی آرای تفسیری امام موسی صدر است که با سخنرانی دکتر #171 مجید معارف» و دکتر #171 محمدرضا شاهرودی»، اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و با حضور #171 حورا صدر»، فرزند امام موسی صدر و نیز جمعی از اعضای مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر برگزار شد. در این نشست دکتر معارف ضمن اشاره به مبانی تفسیری امام موسی صدر رویکرد اصلی ایشان را در تفسیر قرآن کریم رویکردی عقلی، اجتهادی و تدبیری عنوان کرد. کوتاه‌شده‌ای از آنچه در این نشست گذشت از نظرتان می‌گذرد.

ابتدای این نشست دکتر معارف به ارائه سخن پرداخت و گفت: در رشته علوم قرآن و حدیث که رشته‌ای پژوهشی و آموزشی است، معمولاً محور تفسیرشناسی و مفسرشناسی بسیار مهم است. این دو محور، از محورهای شایع مقالات علمی و پایان‌نامه‌هایی است که معمولاً به دانشجویان سپرده می‌شود. تشخیص و ارزیابی مکتب تفسیری مفسر آثار و فواید بسیار زیادی دارد، چون ما را با ارزش تفسیر و توانمندی‌های یک مفسر آشنا می‌کند.

نظر ابتدایی بنده در مورد روش تفسیری امام موسی صدر این است که آثاری که به دست ما رسیده و در حد چند جزوه محدود است شاید مجموعه مناسبی نباشد که بتوانیم با کمک آن یک قضاوت کامل در مورد مکتب تفسیری ایشان داشته باشیم. برای اینکه مفسری را بشناسیم و با مکتب تفسیری او بهتر آشنا شویم، به لحاظ منطق علمی شاید نیاز به آثار بیشتر از یک حجم محدود از آثار تفسیری باشد که اکنون در اختیار ما قرار گرفته است. به نظر بنده مکتب تفسیری یک مفسر حداقل از 4 عنصر تشکیل می‌شود که عبارتند از: مبانی، اصول و منابع، گرایش و روش تفسیری. اگر مجموع این چهار عنصر را درباره یک مفسر بر حسب اندیشه‌ها و آثار تفسیری او استخراج و مدون کنیم می‌توان از آن به مکتب تفسیری تعبیر کرد.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در ادامه سخنانش با خواندن این عبارت که #171 معتقدم قرآن به قصد هدایت انسان‌ها نازل شده و رسالت عمده قرآن کریم هدایتگری است و ما باید طوری قرآن را پویا ببینیم که از هدایتگری قرآن به تناسب نیازهای زمانه خودمان بهره‌برداری کنیم»، خاطرنشان کرد: این یکی از مبانی قرآنی امام موسی صدر است.

همچنین ایشان می‌نویسد: #171 معتقد هستم که قرآن قابل فهم است و برای مردم هم قابل فهم است و برای مردم نازل شده و مردم باید در ارتباط با قرآن فهم مناسب را انتخاب کنند. ضمن اینکه ایشان اعتقاد دارد که قرآن کریم معانی واحد و لایه محدود معنایی ندارد، بلکه قرآن مراتبی از معنا دارد، اما در عین حال در مجموع قرآن را قابل فهم می‌داند و حتی معتقد است که در قرآن کریم رمزی غیرقابل فهم نداریم و در این جهت مثال می‌زنند و حروف مقطعه را مطرح می‌کنند.

خیلی‌ها فکر می‌کنند که حروف مقطعه حداقل رمزهای قرآنی است، ایشان می‌فرماید: بنده به اینها اعتقاد ندارم، دلیلی که ایشان می‌آورند این است که حتی یک بار در تاریخ روایتی نداریم، مبنی بر اینکه زمانی که رسول گرامی اسلام(ص) قرآن را بر مشرکین و مردم عصر و زمانه خودشان تلاوت می‌کردند و مثلاً می‌خواندند #171 الم» کسی پرسیده باشد که این الف، لام و میم چیست؟!

وی با بیان اینکه مبنای دیگری که امام موسی صدر بر آن پای فشرده مسئله معجزه بودن قرآن کریم است، اظهار کرد: معجزه بودن قرآن کریم اعتقاد مسلمین است و بر این اعتقاد تأکید شده. امام موسی صدر معتقدند که قرآن سند حقانیت پیامبر اسلام(ص) و معجزه جاودان است و به بعضی از وجوه اعجاز قرآن اشاره دارند که از جمله آنها اعجاز علمی، اخبار از غیب و اعجاز قرآن از جنبه‌های تشریحی و هدایتگری است که در هر زمانی این جنبه‌ها به قوت خودش باقی است.

مسئله دیگری که برای مفسر خیلی مهم است که به‌عنوان مبنا بشناسیم اعتقاد به سلامت قرآن از تحریف یا تحریف‌پذیری قرآن است که ایشان بر تحریف‌ناپذیری قرآن تأکید دارند که ضمانت الهی شامل حال قرآن کریم شده است و هیچ دست غیر و نامحرمی حتی در سطح اسقاط حتی یک #171 واو» نتوانسته آسیبی به قرآن مجید بزند.

از مبانی تفسیری دیگر امام موسی صدر این است که به تعدد مراتب فهم در قرآن یا به عبارتی مراتب فهم در قرآن و تعدد فهم‌ها اعتقاد دارد که در جلد سوم کتاب‌های مورد بحث اعلام کردند که با خواندن قرآن، معانی را متوجه می‌شویم، اما هرگز نباید فکر کنیم این معانی آخرین فهمی است که از این آیه به دست می‌آید. قرآن لایه‌های معنایی متعدد دارد و باید قائل به تعدد مراتب فهم بود که این مسئله مهمی در شناخت مکتب تفسیری یک مفسر است و خیلی متواضعانه می‌گویند چه بسا! ما پاره‌ای از معانی آن را در نمی‌یابیم.

رویکرد تفسیری امام موسی صدر

نویسنده کتاب &#171؛ پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ علوم قرآن» با اشاره به اینکه یکی از مسائل بسیار مهم در شناخت مکتب تفسیری مفسر، شناخت اصول تفسیری مفسر است، تصریح کرد: شناخت اینکه مفسر در تفسیر بر چه اصل یا اصولی تکیه دارد مهم است. بعضی از کسانی که در ارتباط با ترمینولوژی مفاهیم و اصطلاحات تفسیری کتاب نوشتند معتقدند گاهی اصول با مبانی خلط می‌شود، ولی برای اینکه مقداری بین اصول و مبانی تمایز قائل شویم بیشتر از اصول به منابع و تکیه‌گاه‌های یک مفسر تعبیر می‌کنند که مفسر عناصر تفسیر خود را از آنها انتخاب می‌کند. اگر براساس توافق اصول تفسیری را مترادف با مدارک، منابع و مصادر تفسیری بگیریم، سؤال این است که امام موسی صدر بر چه اساسی قرآن را تفسیر می‌کنند؟

در تاریخ تفسیر قرآن کریم 2 مبنای متفاوت در تفسیر میان مفسران وجود داشته است که گاهی تفسیرها براساس یکی از 2 مبنا و گاهی براساس ترکیبی از این دو مبناست؛ تفاسیر یا براساس نقل، حدیث و روایت بوده که تفسیر اثری (نقلی یا روایی) نام دارند که بعضی از تفسیرها اینگونه هستند یا تفاسیر در نقطه مقابل اثری بر پایه اجتهاد مفسر بوده که تفسیر اجتهادی یا عقلی است. اگر تفسیری تفسیر عقلی - اجتهادی بود باید دید که عناصر اجتهاد چیست؟ یعنی مثلا مفسر تمام مطلب خود را از ذهن خود گفته یا نه حتی در تفسیر عقلی اجتهادی می‌توان براساس یک‌سری اصول، مدارک و منابع قرآن را تفسیر کرد و قسمت به قسمت تفسیر را استناد داد.

معارف در پایان سخنانش افزود: رویکرد اصلی امام موسی صدر به تفسیر قرآن کریم رویکرد عقلی، اجتهادی و تدبری است. صبغه یا روش تفسیری امام موسی صدر روش اجتهادی است، منتها برای اینکه روش تفسیر عقلی متهم به تفسیر به رأی نشود، باید مشخص شود که عناصر تفسیر اجتهادی چیست. اگر عناصر تفسیر اجتهادی ارزشمند و خوب استفاده شده باشند، گرچه تفسیر عقلی اجتهادی است اما تفسیر مقبولی خواهد بود. با مطالعه اینها تنوع ویژه‌ای در عناصر و مدارک تفسیری ایشان احساس کردم که چند مورد را بیان می‌کنم؛ نخستین مورد بهره‌گیری از خود قرآن کریم است که این کار نیاز به تسلط فراوان دارد. دومین اصل استفاده از حدیث و کلام معصومین (ع) و استناد به نهج‌البلاغه است، سومین تکیه‌گاه ایشان در تفسیر استفاده از علوم تفسیری مانند اسباب‌النزول، مکی یا مدنی بودن آیات، نکته‌های بلاغی و... است. چهارمین مورد استفاده از علوم روز است. پنجمین مبنا ایشان در تفسیر استفاده از عقل است و اینکه ما موظف به تدبر در قرآن هستیم و باید به کمک عقل و تدبر از قرآن کریم بهترین استفاده‌ها را ببریم.

کلام خدا با الفاظ و معانی‌اش

دکتر شاهرودی دیگر سخنران این نشست بود، وی گفت: اگر مبانی تفسیری را به دو دسته مبانی قرآن‌شناخت و تأویل و تفسیرشناسی تقسیم کنیم، امام موسی صدر دیدگاه‌های خودشان در ارتباط با قرآن کریم را در جایی مطرح کردند که قرآن کریم را کلام‌الله به الفاظ و معانی قلمداد و معرفی می‌کنند. اخیرا بحثی مطرح شده که آیا قائل به وحیانیّت الفاظ قرآن باشیم یا صرف معانی را وحی الهی بدانیم؟!

امام موسی صدر در معرفی قرآن لفظ و معنا را وحی الهی می‌دانند، همچنین اگر بخواهیم جویای دیدگاه ایشان در رابطه با توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها شویم ایشان قائل به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها و آیات هستند و در واقع اعتقاد ایشان در مورد انتظام فعلی قرآن در سور و آیات (که مبحث اختلافی میان قرآن‌پژوهان است) این است که آیات و سوره‌ها به همین ترتیب به دستور پیامبر اکرم (ص) تنظیم شده است.

جالب است که یکی از اسرار و علل خلود قرآن کریم و به تبع آن خلود و جاودانگی اسلام برخلاف بقیه ادیان همین مسئله را در چند مطلب، لفظ، معنا، ترتیب سوره‌ها و ترتیب آیات می‌دانند که همگی توقیفی و به دستور خداوند است. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه امام موسی صدر معتقد است تفسیر قرآن کریم همچنان رو به تکامل است، اظهار کرد: در حاشیه اظهارات دکتر معارف که فرمودند امام موسی صدر قائل به امکان تعدد و تنوع دیدگاه‌های تفسیری در قرآن کریم هستند، باید گفت ایشان بحث جالبی دارند و از این بحث نتیجه می‌گیرند که تفسیر قرآن کریم همچنان رو به تکامل است. ایشان یک مبنا اساسی را در درک سخن هر گوینده‌ای ابتدای مباحث (که به قلم خودشان هم هست برخلاف بقیه دیدگاه‌های تفسیری که

نوشته شده از روی نوارهاست) دارند.

ایشان اعتقاد دارند چون قرآن کریم کلام عادی بشری نیست و از ناحیه خداوندی است وجودی منبسط و لایتناهی دارد، بنابراین پیام او برخلاف پیام بشر عادی در هر سطحی که باشد قابل درک متکامل است و با پیشرفت علوم و شناخت‌های بیشتری که بشر کشف می‌کند قرآن کریم قابل فهم و درک متکاملی هم هست.